

آمیولانس

سر بی کلاه ادبیات



پوریا عالمی

● بـاد عجیبی آمد و هزاران کتاب در هوا به پرواز درآمد. هزاران کتاب که چیزی نیست، چندتا نویسنده را هم باد بلند کرده بود و بین زمین و زمان معلق بودند. یکهو دیدم احمد پوری، مترجم و نویسنده، را هم باد دارد می‌برد، سریع پریدم روی آمبولانس و احمد پوری را از هوا گرفتم و آوردمش توی آمبولانس. گفتم: پوری جان، جریان چیست؟ احمد پوری گفت: من دیروز به خبرگزاری «ایسا» هم گفتم که «توی اداره کتاب وزارت ارشاد، نسیمی در حال وزیدن است».

تا این را گفت دیدم کلاه محمود دولت‌آبادی را باد برد. گفتم: پوری جان، اینطور که مشهود است قبلا توی وزارت ارشاد باد کاشتنده.

در همین لحظه باد آمد و کلاه ما را باد برد. احمد پوری گفت: ببین پوریا جان، سر شما هم بی کلاه ماند.

گفتم: سر آدم کلاه نرود، بی کلاه بماند عیبی ندارد. که بادی که از جانب ارشاد می‌وزید آمد و آمد و یک کلاه بزرگ سر پوری و پوریا گذاشت.

گفتم: این کلاه برای سر ما گشاد است آقای پوری. پوری کلاهی را که سرش رفته بود برداشت و گفت: این چه وضع کتاب است؟ هیچ تمدی به این کلاه نمائده. گفتم: ای آقا بعضی از نمدالای فقط پف نه‌دندش را بلندد.

احمد پوری با اشاره زیرپوستی به وضعیت کتاب گفت: ولی ارشاد نباید به ما ابرو کج کند، چون کج کلاه‌خان یار ماست.

گفتم: کج کلاه‌خان کجا بود؟ وضعیت طوری شده که آدم برای انتشار یک کتاب باید هر کاری بکند و به هر دری بزند و کلاهی را بگذارد بالا‌تر.

پوری گفت: خیلی بدبین نباش آمبولانس‌چی. به‌رحال در این چندماه چندتایی مجوز دادند و نسیمی در ارشاد در حال وزیدن است.

بعد در همین لحظه دیدیم وزیر ارشاد و معاون کتاب دوره سابق، نستنداند جلو نسیم و نسیمشان کل فضای فرهنگ و کتاب را دربر گرفته است.

گفتم: پوری جان، ما توجه به اینکه ما را باد خواهد برد، بیا تا به باد نرفته‌ایم، برویم توی افق گم شویم.

فردا گذرانی



● سفرنامه‌ها و عکس‌های منصور ضابطیان، با عنوان «مارک دویلو، به چاپ سوم رسید این اثر در نشر «ملت» در ۲۰۰صفحه با قیمت ۱۶هزار تومان منتشر شده است. این کتاب مجموعه‌ای

است از گزارش‌های شخصی نویسنده از سفر به کشورهای کنیا، آلمان، هلند، بلژیک، جمهوری چک، پرتغال، عراق و... و بخش عمده‌ای از آن برای بار اول منتشر شده است. نویسنده در مقدمه کتاب نوشته است: «با سفر، مفهوم لذت از جهان هستی را بیشتر دریافته و احساس خوشبختی بیشتری کرده‌ام. این احساس تنها با تجربه سبک زندگی مردم جهان است که پدید می‌آید».
روایع این اثر می‌تواند پیشنهادی باشد برای یافتن راه‌های خوشبختی و توجه به سویه مهم فرهنگی آن. این کتاب را می‌توان مستقل و جدا از کتاب نخست نویسنده با نام «مارک و یلو) خواند. منصور ضابطیان این‌روزها چهره شناخته‌شده‌ای در سیماست.

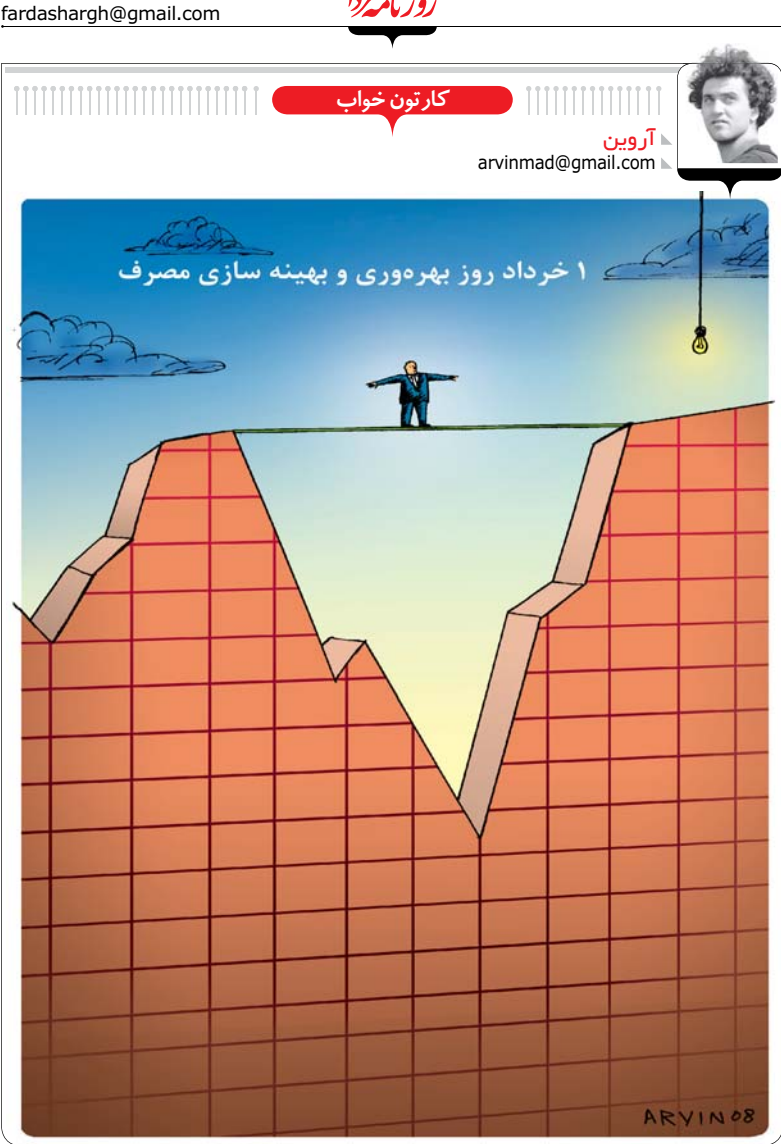
● شنبه‌سوم‌خردادمازیار اسلامی‌درسگفتار «سینمارکس: مارکسیزم در مطالعات سینمایی» را در ساعت ۱۹-۱۷ در موسسه «پرش» برگزار می‌کند و علاقه‌مندان می‌توانند در آن شرکت کنند. همچنین در همین روز ساعت ۱۹- ۲۱ «حسن مرتضوی» به نقد و بررسی کتاب «سرمایه» اثر کارل مارکس می‌پردازد و درباره «ارزش نسبی کالا و تقسیم‌کار» سخن می‌گوید.

شرق روزنامه

www.sharghdaily.ir

پنجشنبه ۱ خرداد ۱۳۹۳ • ۲۲ رجب ۱۴۳۵ • ۲۲ می ۲۰۱۴ • سال یازدهم • شماره ۲۰۲۲ • ۱۶صفحه • اذان ظهر تهران ۱۳:۰۱ • اذان مغرب ۲۰:۲۸ • اذان صبح فردا ۴:۱۳ • طلوع آفتاب ۵:۵۴

روزنفرها



کارتون خواب

آروین

arvinmad@gmail.com

۱ خرداد روز بهره‌وری و بهینه سازی مصرف

گزارش فردا

سیدمحمد بهشتی، پگاه آهنگرانی و بدرالسادات مفیدی از دوم خرداد می‌گویند

نقطه عطف تاریخ معاصر ایران



دوم خرداد لوح گرفته و روندی صعودی را آغاز کرده است.»
شعف عجیب
«پگاه آهنگرانی» بازیگری که همیشه در رویدادهای اجتماعی و سیاسی کنار مردم است، سال ۷۶ نوجوان بوده و فضای آن روز اطرافیانش را چنین ترسیم می‌کند: «دوم‌خرداد ۱۴.۷۶ ساله بودم و به‌خوبی شادی مردم در آن‌روزها را در خاطر دارم. یادم هست که مردم بسیار خوشحال بودند. بعد از اعلام نتایج، همه بیرون رفتم و کنار هم شادی کردیم. این را هم خوب خاطرم هست که هیچ‌کس فکرش را هم نمی‌کرد که نتیجه انتخابات با پیروزی آقای خاتمی رقم بخورد، برای همین وقتی فهمیدیم که او به‌عنوان رئیس‌جمهور انتخاب شده، شعف عجیبی داشتیم. با اینکه خودم هنوز نمی‌توانستم رای بدهم، اما در خاطرم هست که معلم‌های مدرسه‌مان هم درباره انتخابات حرف می‌زدند و درگیرش بودند. هیچ‌وقت ندیدم، هیچ سال دیگری کسی در مدرسه درباره انتخابات صحبت کند اما در سال ۷۶ برای اولین‌بار دیدم که موضوع انتخابات حتی معلم‌ها و کادر مدرسه را هم درگیر کرده بود و با مایی که حتی نمی‌توانستیم رای بدهیم درباره موضوع انتخابات صحبت می‌کردند.»

مردی از جنس دیگر

«بدرالسادات مفیدی» روزنامه‌نگار و دبیر انجمن صنفی روزنامه‌نگاران ایران، درباره تحول پس از «دوم‌خرداد» می‌گوید: «۱۷سال پیش در روز «دوم‌خرداد» مردی به پیروزی رسید که از جنس دیگری بود و تحولی را ایجاد کرد که شاید بتوان گفت مثل یک شوک بر بدنه جامعه

زایویه دید

من فقط نویسنده‌ام

و من در این فاصله، درگیر یک کشمکش فلسفی عمیق شدم، اینکه اگر کسی از او بپرسد شغلش چیست، حتما پاسخ می‌دهد: «نویسنده» و دروغ هم نگفته است. نویسنده است دیگر. بعد درگیر این پرسش فلسفی شدم که او نویسنده‌تر است یا آدم‌هایی مثل بنده که قلم صدتایک‌غاز می‌زنیم و همیشه خدا هم کمیتان‌لنگ است. چه فرقی می‌کند که روی سنگ قبر کسی بنویسند، نویسنده یا فلان کاره؟ مهم این است که آن آقا ز قلمش نان درمی‌آورد و ما ول معطلیم. میزان درآمد سالانه او و امثال او که تعدادشان هم روزبه‌روز بیشتر می‌شود، از درآمد رمان‌نویسان و سایر قلم‌به‌دستان خیلی بیشتر است. به‌ویژه این سال‌ها که تیراژ کتاب به زیر هزار نسخه رسیده و حق‌التحریر یک کتاب، هزینه یک‌ماه یک نویسنده را هم تأمین نمی‌کند. اگر در میان آشنایانتان کسی را سراغ دارید که برای دفتر املاکش نویسنده می‌خواهد، فورا خبرم کنید. سپاسگزار می‌شوم.



احمد طالبی‌نژاد

معمولا در مواقعی که کسی حرف‌ها را می‌پرسد، از گفتن اینکه نویسنده یا اهل قلم هستم، پرهیز و به همان شغل شریف معلمی اکتفا می‌کنم. البته چند سالی است که صفت «بازنشسته» را نیز به آن می‌افزایم. پیش نیامده که در جایی، خود را به‌عنوان نویسنده معرفی کنم. خجالت می‌کشم. چندی پیش برای انجام امور ملکی یکی از بستگان به یک دفتر املاک (همان بنگاه معاملات ملکی سابق) رفته بودیم و بر سر حلقه‌نامه نوشتن قولنامه، با آقای که کار ما دستش بود، چانه می‌زدیم. پس از اصرار زیاد منی بر اینکه این بیچاره باید همه درامدش را بدهد بابت اجاره و حرف‌هایی از این‌دست، کافیتس با خودمان تصور کنیم که در اثر مصرف بی‌رویه این مایه حیات، روزبه‌روز از سرسبزی شمال کشورمان کسته می‌شود. ما در ایران به اندازه کافی کویر داریم، باید از خشک‌شدن سایر مناطق، با صرفه‌جویی در مصرف آب، جلوگیری کنیم. آب، علاوه بر اینکه نوشیدنش، حیات ما را تداوم می‌بخشد، مقدس هم هست، به اندازه سایر مقدسات. آب را مقدس بینداریم، همچنان که سایر مقدسات را، چرا که سرچشمه حیات است و سرسبزی و رونق و برکت.

✎ **آقای فکر می‌کنید مستر کارت و ویزا که همانطور که شما گفتید با دستورات وزارت خزانه‌داری آمریکا تن به این کار داده‌اند، می‌توانند بازار روسیه را ترک کنند؟**

ما نمی‌خواهیم که ویزا یا مستر کارت روسیه را ترک کنند. به‌طور کلی همکاری ما با آنها بسیار پربار بوده است. هرچند فکر می‌کنم که این شرکت‌ها قبل از گرفتن چنین تصمیمی باید در مورد این موضوع فکر می‌کردند که چنین اقداماتی اعتماد به آنها را کم می‌کند.

آنها باید به دولتشان توضیح می‌دادند که کار به این شکل پیش نمی‌رود، آمریکا تجارت آنها را مخدوش کرده است، همچنین ویزا و مستر کارت آنها را. اصلاحیه قانون سیستم پرداخت، سپرده‌های مطمئن را قانونی کرده است که می‌گوید حجم معینی از پول باید در روسیه باشد. بانک مرکزی، بانک تجاری ما و ویزا و مستر کارت به‌طور حتم قابل بحث هستند. لازم نیست وضعیت را دراماتیزه کنیم ولی حتما شما هم موافق هستید که آنچه شرکای ما انجام داده‌اند در رابطه با برخی بانک‌های روسی باید پاسخ داده شود.

✎ **ایالات متحده به بسیاری از مدیران اجرایی گفته است که به انجمن سنت پترزبورگ نروند و بسیاری از آنها نمی‌روند. بسیاری از مدیران اجرایی اروپایی هم به این انجمن نمی‌روند. نظر شما در این مورد چیست؟**

فکر می‌کنم که خیلی بد است. این موضوع من را به یاد تصمیم‌گیری‌های این کشور در زمان لنویند برژنف می‌اندازد. منافع کسبوکار به‌دلیل ایدئولوژی به مشکل برمی‌خورند. شما باید از این مدیران اجرایی بپرسید که از این تصمیم راضی هستند یا نه؟ چرا آنها باید منافع کسبوکار خود را قربانی بعضی زوایای عجیب‌وغریب همبستگی کنند؟

✎ **می‌خواهم از شما در مورد اینترنت بپرسم و از یک سوال تحریک‌آمیز شروع می‌کنم: آیا شما با این**

ادامه از صفحه ۱۵

به یقین به دومین «جنگ سرد» نزدیک می‌شویم

اینستاگرام می‌تواند سال دیگر هم در روسیه کار کنند. شما می‌دانید که همین چند وقت پیش یک مقام روسی گفت که این شبکه‌ها ممکن است بسته شوند؟

شاید او باید قبل از صحبت کردن بیشتر دقت می‌کرد. این موضوع نسبتا ساده است: هر کسی که در بخش اینترنت روسیه کار می‌کند باید با مقررات روسیه هماهنگ باشد. این موضوع قابل بحث نیست. میلیون‌ها روسی از شبکه‌های اجتماعی استفاده می‌کنند و من نیز از این شبکه‌ها استفاده می‌کنم. من بر این باورم که مفید و خوب هستند. بنابراین از یک‌سو باید مطابق قوانین روسیه باشند اما از طرف دیگر باید دسترسی به اطلاعات آزاد باشد که در تضاد با قانون نیست.

ضمن اینکه ما شبکه‌های اجتماعی خودمان مانند VKontakte را داریم که بسیار محبوب هستند و میلیون‌ها استفاده‌کننده در روسیه، اوکراین و دیگر کشورها دارند.

✎ **شما که مورد VKontakte صحبت کردید اما**

بنیانگذار این شبکه گفته است که روسیه دیگر محل مناسبی برای تجارت در زمینه اینترنت نیست. امکان ناوآوری در زمینه اینترنت در روسیه وجود ندارد و روسیه را ترک کرده است. نظر شما در این مورد چیست؟

صحبت‌کردن در مورد انگیزه‌های آقای دورف برای من دشوار است. من فقط یکبار با او ملاقات کردم و درمورد چشم‌انداز توسعه صحبت کردیم. او بسیار بااستعداد است اما مانند هر فرد با استعداد دیگری خیالپرداز است. تا آنجایی که من می‌دانم او یعنی با سهامداران شرکت و شرکای تجاری‌اش داشته و در نتیجه این بحث او سهام خود را فروخته است. مانند همیشه او برای توضیح اقدامش به شرایط سیاسی اشاره و پروژه دیگری را آغاز کرده است. این تصمیم او بوده اما شبکه VKontakte به کار خود ادامه می‌دهد.

نظر رئیس‌جمهور پوتین موافقید که اینترنت پروژه سازمان سیا است؟

جواب من هم بله است و هم خیر. اینترنت در ساختار مرتبط با دفاع متولد شد. تا آنجا که من می‌دانم «داپرا» (DAPRA) بود نه سی‌ا. این به آن معناست که در آغاز این شبکه در خدمت هدفی دفاعی بود. اما پس از آن این شبکه به آنچه امروز شبکه جهانی وب نامیده می‌شود گسترش پیدا کرد و به‌عنوان پدیده‌ای جهانی تعداد زیادی از مردم را گردهم آورد. من هرگز از اینترنت ایده‌آلی نساختم اما معتقدم که هیچ‌چیز دیگری در جهان با این پتانسیل برای اتحاد وجود ندارد. این شبکه فرصت‌های ارتباطی ایجاد می‌کند و باید به‌درستی از آن قدردانی کرد.

✎ **شما می‌گویید که اینترنت ارزشمند است اما می‌توانید تضمین کنید که فیس‌بوک، توئیتر و**

برندان آبل نام دارد.

مدیرعاملی در فرهاد محمدی ✎ صدراعظم در منصور شهبازی ✎ آنتونین پراویر گریم مسیحی

طراح صدا: علیرضا تکه‌لنگ ✎ طراح صحنه و لباس: امیرحسین خداد ✎ مکتب: عبا سیاه‌پوش

موسیقی: ستار لوزی ✎ فاشمانده: علی اکبر قاضی نظام

گروه‌های

سحر قریشی

بهمنوش بختیاری

لیلا بلوکات

امید روحانی

و دیبا زاهدی

محمود جعفری

محمود جعفری

محمود جعفری

محمود جعفری

محمود جعفری

محمود جعفری

محمود جعفری

محمود جعفری

محمود جعفری

محمود جعفری

محمود جعفری

محمود جعفری

محمود جعفری

محمود جعفری

محمود جعفری

محمود جعفری

محمود جعفری

محمود جعفری

محمود جعفری

محمود جعفری

محمود جعفری

محمود جعفری

محمود جعفری

محمود جعفری

محمود جعفری

محمود جعفری

محمود جعفری

محمود جعفری

محمود جعفری

محمود جعفری

محمود جعفری

محمود جعفری

محمود جعفری

محمود جعفری

محمود جعفری

محمود جعفری

محمود جعفری

محمود جعفری

محمود جعفری

محمود جعفری

محمود جعفری

محمود جعفری

محمود جعفری

محمود جعفری

محمود جعفری

محمود جعفری

محمود جعفری

محمود جعفری

محمود جعفری

محمود جعفری

محمود جعفری

محمود جعفری

محمود جعفری

محمود جعفری

محمود جعفری

محمود جعفری

محمود جعفری

محمود جعفری

محمود جعفری

محمود جعفری

محمود جعفری

محمود جعفری

محمود جعفری

محمود جعفری

محمود جعفری

محمود جعفری

محمود جعفری

محمود جعفری

محمود جعفری

محمود جعفری

محمود جعفری

محمود جعفری

محمود جعفری

محمود جعفری

محمود جعفری

محمود جعفری

محمود جعفری

محمود جعفری

محمود جعفری

محمود جعفری

محمود جعفری

محمود جعفری

محمود جعفری

محمود جعفری

محمود جعفری

محمود جعفری

محمود جعفری

محمود جعفری

محمود جعفری

محمود جعفری

محمود جعفری

محمود جعفری

محمود جعفری

محمود جعفری

محمود جعفری

محمود جعفری

محمود جعفری

محمود جعفری

محمود جعفری

محمود جعفری

محمود جعفری

محمود جعفری

محمود جعفری

محمود جعفری

محمود جعفری

محمود جعفری

محمود جعفری

محمود جعفری

محمود جعفری

محمود جعفری

محمود جعفری

محمود جعفری

محمود جعفری

محمود جعفری

محمود جعفری

محمود جعفری

محمود جعفری

محمود جعفری

محمود جعفری

محمود جعفری

محمود جعفری

محمود جعفری

محمود جعفری

محمود جعفری

محمود جعفری

محمود جعفری

محمود جعفری

محمود جعفری

محمود جعفری

محمود جعفری

محمود جعفری

محمود جعفری

محمود جعفری

محمود جعفری

محمود جعفری

محمود جعفری